

## بخشی از گزارش بازجویی دقیق جنایتکاران جنگی در دادگاه نورنبرگ

### برگرفته شده از صورت جلسه بازجویی هانس هینریخ لامرس

هانس هینریخ لامرس (Lammers)، ریخ منیستر و رئیس صدر اعظمی رایش، پیرو مومن و مشتاق شخص رهبر بود. این کارمند دولتی مسن از صمیم قلب تجربه های اداری خودش را در اختیار رایش سوم قرار داده بود. وی دستوراتی را تحت عنوان "دستورات فیهرر" حتی بدون اطلاع خود هیتلر ابلاغ مینمود. 25 سوال را که تمامی آنها بر اساس مدارک لامرس بود، با دقت بسیار زیادی آماده کردم و هیچ کدام از آنها را از قبل به او نشان ندادم. این روش باعث نشد که کارمند نازی سرسخت اعتراف بکند، ولی چهره واقعی او را آشکار کرد و ظرف 40 دقیقه بعنوان یک دروغگو کامل شناخته شد. وی به 20 سال حبس محکوم شد.

بازجویی - به زبان آلمانی- متهم هانس هینریخ لامرس ، که در دفاع از خودش در 23.9.1948 شهادت داد:

سوال:

دکتر لامرس ، شما یکی از سیاستمدارهای انگشت شمار باقی مانده رایش سوم هستید که فیهرر و عملکردش را به خوبی می شناخت. آیا این موضوع صحت دارد؟

جواب:

"به خوبی" این گزاره گویی است. تا حد معینی به کار و نحوه زندگیش دسترسی داشتم.

سوال:

متشکرم. من مطمئن هستم که شما یکی از این افرادی نیستید که حال پس از فروپاشی آلمان، فیهرر را انکار کرده و تمامی مسئولیت فاجعه وارده شده به آلمان را فقط برعهده وی میگذارند، آیا من درست می گویم؟

جواب:

در واقع واضح است که سنگینترین مسئولیت پیرامون این فاجعه بر عهده خود فیهرر میباشد، به این علت که وی در پشت پرده همه امور بود و با اعمال خود باعث فاجعه شد. در رابطه با گناهکار شناختن وی، من نمی توانم این ادعا را بکنم زیرا مطمئن هستم که او در واقع خوبی آلمان را می خواست. اینکه آیا راه هایش جهت کسب این هدف همیشه صحیح بود، موضوع دیگری است.

سوال:

ممنون، دکتر لامرس. حالا این پرسش را مطرح میکنم: آیا شما هنوز اصرار میورزید که در زمان انجام وظایفتان از اعدام هزاران یهودی در شرق اطلاعی نداشتید؟ اگر شما هم اکنون این اصرار را ندارید، من سوال دیگری ندارم، و این سوالی است که از ابتدا قصد پرسیدن آن را داشتم.

جواب:

بله، من اینگونه ادعا مینمایم، طبق شهادت قبلی خودم.

سوال:

ممنون. در بازجویی مستقیم گفتید که چیزی درباره قتل عام یهودیان شنیده بودید. آیا هرگز در مورد قتل های انفرادی امری شنیده بودید؟

جواب:

در مورد معدود اتفاقاتی شنیده بودم، در مورد تیراندازی هایی در گوشه و کنار، امری که همیشه در حین جنگ روی می دهد. البته که در این موارد اطلاعاتی داشتم. در مورد معدود اتفاقاتی شنیده بودم.

[...]

سوال:

آیا سخنان هیتلر درباره آینده روسیه در نشست معروفی که در تاریخ 16.7.1941 برگزار شد و در آن او در حضور شما به طور واضح از کشتار در این مناطق سخن گفت، بر شما هیچ اثری نداشت؟ [...] آیا این طرز صحبت کاملاً طبیعی هیتلر در باره کشتار هیچ تاثیری بر شما باقی نگذاشت؟

جواب:

من مطمئن نیستم که این سخنان را شنیده باشم. تا آنجائی که به یاد دارم این کیتل بود که این سخنان را ایراد کرد، آن هم به طریقی که سخنان در زمان جنگ گفته می شوند. وی میگفت "اگر اینگونه باشد"، " کسی که طبق دستورات رفتار نکند- تیرباران خواهد شد".

سوال:

آیا این کمی بیش از حد خشن نبود؟

جواب:

درواقع بله، فیهرر گاهی اوقات با خشونت سخن میراند، ولی او به آن چیزی که بر زبان می آورد نظر نداشت، و من هرگز سخنان وی را آن طوری که بیان می کرد استنباط نکردم. فقط آقای بورمن، در یادداشت های خودش، همیشه کلماتی را انتخاب می کرد که امکان تفسیر آنها به صورت دیگری نیز وجود داشت.

سوال:

ولی با این حال افراد تیرباران می شدند؟

جواب:

من فکر نمی کنم که وی قصد این کار را داشت. در واقع من نمی دانم چه افرادی در روسیه تیرباران شدند. در زمان جنگ انسان ها مرتباً کشته می شوند. و این موضوعات همیشه ادامه دارد.

سوال:

آیا به یاد دارید که دبیر شما کرینتسینگر درباره این کشتارها در شرق با شما در حالی صحبت کرد که با تمام وجودش از این موضوع تکان خورده بود؟

جواب:

خیر، او فقط پیرامون عملیات های اخراجی با من صحبت کرد که بر وی اثر عمیقی گذاشته بودند.

سوال:

بسیار خوب. همان طوری که گفتید، شما می دانستید که کوخ فرماندار استان، همان شخصی که حکم انتصابش به امضای شما هست، و قبلا ذکر شده بود، افرادی را در اوکراین به قتل رسانده است. آیا فکر میکردید که قربانیان شامل یهودیان نمیباشند؟

جواب:

گزارش هائی مبنی بر رابطه کوخ با این قتل ها به دست من رسیده بود، ولی بطور مبهم و بدون هیچ اثباتی. تنها اطلاع من در مورد یک فقره گزارش است که طبق آن ظاهرا قتلی انجام گرفته بود، در مناطقی که وی قصد شکار در آن را داشت. او این امر را تکذیب کرد و ادعا نمود که این منطقه از پارتیزان ها پاک سازی شده است، پارتیزان هائی که دارای اسلحه سنگین بودند، و این محلی بود که در آنجا افرادی به هلاکت رسیدند. این موضوع هرگز بطور کامل نشد. و در ارتباط با قتل یهودیان توسط کوخ، هیچ اطاعی در این مورد ندارم.

سوال:

اخباری که شما دریافت می کردید به امضای آقای آلفرد روزنبرگ بود، و وی گفت که صدها نفر در زونام {جنگل} و مناطق اطراف آن تیرباران شده اند. "واضح است که اوکرائینی ها باور ندارند، علاوه بر این، ملت این عقیده را دارند که تمامی این افراد بدون محاکمه تیرباران شده اند زیرا اسکان جدید در مقیاس وسیعتر از حدی انجام می شود و زمان کافی جهت انجام آن وجود ندارد."

[...]

سوال :

آیا هیتلر - در حدود سال 1941 - دیدگاه خودش را به اطلاع شما رساند که طبق آن تا پایان جنگ هیچ یهودی در آلمان باقی نخواهد ماند؟

جواب:

نمی توانم این مورد را با اطمینان کامل بیاد بیاورم، ولی شنیدم، و فکر می کنم که او در صحبت هایش چند بار این مطلب را متذکر شد، که واقعا یهودیان بایستی آلمان را ترک نمایند. اشاراتی به این موضوع به عمل آمد، همانطور که در باره پایه گذاری کشور یهودیان و یا تمرکز آنها در یک مکان صحبت شد.

آقای کمفنز:

اینک بنده نامه دکتر لامرس به بورمن از تاریخ آوریل 1941 را بعنوان مدرک شماره 3902 ارائه می کنم که در آن وی به اطلاع می رساند که علت نپذیرفتن برخی از قوانین توسط فیهرر، این بود که به نظر وی در هر صورت پس از جنگ هیچ یهودی در آلمان باقی نخواهد ماند.

[...]

سوال:

چند فقره نامه از کشیش های کاتولیک و پروتستان دریافت نموده بودید که در آنها ذکر شده بود که قتل یهودیان در شرق برخلاف منافع ملی آلمان می باشد؟

جواب:

به یاد ندارم که چنین نامه هائی را دریافت کرده باشم.

سوال:

آیا به یاد ندارید که اسقف محترم از ویرتمبرگ، دکتر وورم، چنین نامه هائی را مرتباً برای شما میفرستاد و در آنها متذکر میگشت که کشتار یهودیان یک رسوائی برای آلمان میباشد، و چنانچه که این امر متوقف نشود، آن به جنگ تبلیغاتی روزوولت کمک خواهد کرد؟

جواب:

بیاد دارم که نامه هائی را از وورم دریافت کردم، ولی عمداً آنها را به مقامات بالا تحویل ندادم، تا وی را از رسیدگی کیفری دادگاه مردمی، که وزارت کشور در حال آماده کردن آن بود، نجات بدهم. و در رابطه با جزئیات شکایت هایش، فقط وقتی که به من ارجاع بشوند، می توانم آنها را تفسیر نمایم.

سوال :

اگر این نامه ها را از ژوئیه و نوامبر 1943 به مقامات بالا تحویل می دادید، شاید باعث تغییراتی در سیاست قتل می شدید؟

جواب:

من نمی بینم که با استناد به این نامه ها میتوانستم اظهار بکنم که چنین سیاستی در واقع وجود داشت.

[...]

سوال:

آیا شما هم مثل هیتلر، گوبلس و شترایخر باور داشتید که نیروهای ثروتمند و بولشویک به ریاست یهودیت جهانی، جنگ مرگ و زندگی آلمان را به آنها تحمیل کرده بودند، یا شما در دیدگاه هایتان به این حد نرسیده بودید؟

جواب:

این یکی از مسائلی بود که در آن موقع به حد زیادی به آن پرداخته و درباره اش مطالعه میکردم، ولی در این مورد هرگز نمیتوان به نتیجه قطعی رسید. با این وجود من بر این باورم که مسئولیت یهودیان در تمامی جنگ های دنیا ناچیز نیست.

سوال:

و یهودیان حتی این جنگ را به رایش سوم تحمیل کردند؟ آیا این عقیده شما است؟

جواب:

من بر این موضع اصرار نمیورزم.

سوال:

اگر اینگونه فکر نکرده بودید، چرا در - Parger Archiv fuer Rech, Verwaltung u. Wirtschaft - به قلم خودتان نوشتید که "در جنگ برای مرگ و زندگی" ضد نیروهای ثروتمند بولشویک، که یهودیان جهان آن را رهبری می کنند، چنین و چنان شد؟ این نوشته های شخص شما است. من می خواهم این مورد را به شما نشان بدهم، که ضد آلمان جنگ مرگ و زندگی در جریان است، که "یهودیت جهان آن را رهبری می کند".

آقای کمفنز:

آیا اجازه دارم که مقاله دکتر لامرس نوشته شده در Prager Archiv در مارس 1944 بعنوان

مدرک شماره 3905 ارائه کرده و فقط جهت رسمیت دادن، اظهارات اصلی دکتر لامرس در صفحه 108 که نیروهای یهودیت جهانی این جنگ ضد آلمان را اداره می کنند، را متذکر بشوم؟

[...]

آقای کمفنز:

دکتر لامرس، اکنون آخرین سوال خودم را مطرح می نمایم. اکنون که جزئیاتی از برنامه کشتار در شرق را مطرح کردیم؛ حالا که جهت آگاهی شما سخنان اسقف وورم، زیدنگلاچ و سخنان شخص خود هیتلر بیان شدند و به مقاله شما بعنوان "یهودیت جهانی جنگ ضد آلمانی را رهبری می کند" اشاره شد، حال پس از آنکه سعی نمودم به یاد شما بیاورم: آیا هم اکنون شما بیاد می آورید که قبل از سال 1945 از موضوع کشتارها مطلع بودید؟ آیا این موضوع در ذهن شما جرقه ای می زند؟

جواب:

من تنها می توانم دوباره سخنان قبلینم را تکرار نمایم: از هیچ قتل عامی خبر نداشتم، و آنچه که در قالب گزارشات از آن آگاهی یافتم، چیزی جز شایعات و اشارات نبود...

معقول است که چیزهایی در مورد قتل تعدادی یهودی در زمان جنگ در این و یا آن شهر شنیدم و یا خواندم. این موضوع را تکذیب نمی کنم.

سوال:

و شما می خواهید بگوئید که مطالبی که فیهرر به آنها اشاره مینمود، برنامه ها و غیره، همه این موارد به نظر شما جدی نمی آمد؟ که او فقط یک آدم پست بود که اظهارات ابلهانه ای را مطرح می کرد؟

جواب:

آن را بعنوان نابودی یهودیان تفسیر نکردم.

دکتر کمفنز: بسیار خوب. دادستان سوال دیگری ندارد.

روبرت م.و. کمفنز یکی از دادستان های دادگاه نورنبرگ، "بازجویی دقیق جنایتکاران جنگ"، در **ید و شم: مجموعه تحقیقات** فصل 5، صفحه 45 و به بعد

\*\*\*\*\*

### ارنست ویلهلم بوهله (Bohle) به جرم خود اقرار می کند

بازجویی که در بالا آورده شد ثابت می کند که تا چه اندازه ای "اقرار گرفتن" از یک نازی سرسخت در طی بازجویی دقیق وی در یک دادگاه رسمی مشکل می باشد. بازجویی های دقیق - آنگونه که عوام فکر می کنند - باعث تغییر طرز تفکر متهمین نازی نشده است.

از بین 199 متهمین در دادگاه نورنبرگ - تنها دو نفر به خودشان اجازه اقرار به جرم را دادند: یکی از آنها فرماندار هانس فرانک {فرماندار گورنمنت}، که پس از صحبت های طولانی با کشیش کاتولیک زندان و وکیلش آلفرد زایدل اقرار کرد. نفر دوم ارنست ویلهلم بوهله، رئیس سازمان حزب نازی در خارج از کشور (A.O.) بود. او - تنها نفر از بین متهمین نورنبرگ - پس از اینکه من و وکیلش با او صحبت های شخصی طولانی را به انجام رساندیم، به جرائم خودش اقرار کرد. دادگاه 5 سال زندان برایش صادر کرد.

[...]

سوال:

.... آیا شما به غیر از فعالیت های A.O. خودتان را مسئول چیز دیگری نیز حس می کنید؟

جواب:

در ابتدا فکر می کردم که مسئولیت من فقط محدود به اعمال من در حوزه A.O. می شود، ولی تمامی اطلاعاتی که در ظرف سه سال اخیر کسب کردم و کلیه چیزهای که در این سالیان دیدم، شنیدم و یا درباره آن صحبت کردم، باعث شدند که نظریات خودم را تغییر بدهم.

سوال:

لطفاً به دادگاه توضیح بدهید منظور شما چیست.

جواب:

منظور من تقریباً این می باشد: بنده متصورم که هر آلمانی که وظیفه مهمی را در حکومت نازی به عهده داشت، بایستی آن را به عنوان یک وظیفه مقدس شمرده و از انجام هیچ اقدامی جهت پاک کردن نام آلمان از لکه هائی که مغزهای جنایتکار باعث آن شده بودند، دریغ نکند. من میدانم که بی ارزش شمردن جان انسان ها و بی تفاوتی به رنجهای آنها، هرگز یکی از مشخصه های آلمانی نبوده است، و بدین جهت فکر میکنم که اعتراف ما به اعمال وحشیانه خودمان که باعث لکه دار شدن نام آلمان در جهان شده است، ضروری می باشد. من تصور نمی کنم که فقط با توجه کردن به اعمال پلید و جرائمی که دیگران مرتکب شده اند که برخی از آن بدون شک با اتهاماتی که به ناسیونال سوسیالیسم نسبت داده شده همراهی دارد، نبایستی سعی در پاک کردن احترام ملی خودمان نکنیم. من این باور را دارم که غرور ملی ما نبایستی این اجازه را به ما بدهد. من فکر می کنم، با تمام قلب اعتقاد دارم، که جهان ایمان خودش را به صداقت ملی ما دوباره بدست خواهد آورد بشرطی که ما خودمان در اعترافاتمان صادق و رو راست بوده و بخواهیم که اعمالمان را اصلاح نکنیم. من فکر می کنم که ما، افراد عالی رتبه، نه تنها در مقابل قربانیان جرائم ارتکاب شده مسئولیت بعهد داریم، بلکه - به همان اندازه - در مقابل ملت آلمان که گمراه گردیده و اعتقادات آنها منحرف شده و هم اکنون آنها به علت گناه هائی که مسئول آن نیستند در تمام دنیا منزوی می باشند، مسئولیت داریم. این چیزی است که من هنگام صحبت کردن از مسئولیتم درک میکنم، به غیر از مسئولیتم در برابر شغل شخصی خودم.

سوال:

قاضیان محترم، با اجازه شما بازجویی مستقیم خودم را خاتمه می دهم.

در پی این پاسخ ها، بوهله مورد بازجویی دقیق قرار نگرفت.

روبرت م.و. کمپنر، یکی از دادستان های دادگاه نورنبرگ، "بازجویی دقیق جنایتکاران جنگ"، در **ید و شم: مجموعه تحقیقات** فصل 5، صفحه 45 و به بعد